

جایگاه رفرااندوم در نظام جمهوری اسلامی و خاستگاه‌های

مطالبه جریان‌های سیاسی / نشست علمی*

سید علی میرداماد نجف‌آبادی**

سیدابراهیم حسینی***

اشاره

آنچه پیش‌روی دارید گفتگویی است که با جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر سیدعلی میرداماد نجف‌آبادی و جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر سیدابراهیم حسینی با موضوع «بررسی جایگاه رفرااندوم در نظام جمهوری اسلامی ایران» انجام گرفته است در این نشست علمی به مباحثی چون جایگاه رفرااندوم در نظام جمهوری اسلامی ایران، سازوکار رفرااندوم و همه‌پرسی در قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی ایران و به انواع همه‌پرسی اشاره شده است و مقایسه‌ای بین رفرااندوم و همه‌پرسی بین نظام جمهوری اسلامی ایران با نظام‌های لیبرال و نظام‌های دموکراسی غربی شده است. در ادامه به برخی شبهات و مطالبه‌گری‌های صورت گرفته در خصوص رفرااندوم پاسخ داده شده است.

*. این نشست در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۸ در مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه برگزار شده است و دبیر علمی آن را جناب حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدرضا دوستی بر عهده داشتند.

** هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام؛ am42476@gmail.com

*** هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام؛ mrahimil388@yahoo.com

مجله پاسخ: سؤال اول را ابتدا با حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سیدعلی میرداماد نجف آبادی مطرح می‌کنیم؛ حضرت استاد! اساساً سازوکار فراندوم و همه‌پرسی در قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی چگونه است؟

♦ موضوع فراندوم را اگر بخواهیم از نظر نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی بررسی کنیم، ابتدا لازم است تعریفی از فراندوم ارائه بدهیم و به تفاوت بین انتخابات و فراندوم اشاره کنیم. اساساً بین انتخابات و فراندوم تفاوت وجود دارد؛ اولاً اشتراک این دو مقوله در این است که در هر دو مردم پای صندوق‌های رأی می‌آیند و آراء خودشان را در صندوق رأی می‌اندازند و رأی‌گیری انجام می‌شود؛ منتها تفاوت بین انتخابات و فراندوم در این است که در انتخابات اشخاص انتخاب می‌شوند؛ انتخابات برای تعیین مسئولان مختلف کشور است؛ از رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس، اعضای خبرگان رهبری، اعضای شوراهای شهر و روستا، برای تعیین مسئولان کشور در رده‌های مختلف بر اساس قانون نامزدهایی مشخص هستند و مردم از بین نامزدها افرادی را انتخاب می‌کنند، اصطلاحاً به این می‌گویند انتخابات «Election» که در حقیقت انتخاب اشخاص است.

نوع دیگری از حضور مردم پای صندوق‌های رأی فراندوم یا همه‌پرسی است که در فراندوم مردم به شخص رأی نمی‌دهند، بلکه به موضوعات رأی می‌دهند. یک مسئله و موضوعی مطرح می‌شود، حالا موضوع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، یکی از موضوعات کشور به رأی گذاشته می‌شود. در فراندوم آن موضوع به صورت بله و خیر به رأی گذاشته می‌شود، یا یک مسئله است یا یک موضوع است یا یک بسته‌ای از موضوعات مثل مجموع قانون اساسی که به رأی گذاشته می‌شود و مردم هم با بله و خیر یا تأیید می‌کنند و یا تأیید نمی‌کنند و نمی‌پذیرند.

در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی فعلی سه نوع فراندوم ذکر شده است؛ نوع اول فراندوم که در اصل یکم قانون اساسی به آن اشاره شده است، فراندوم تأسیس نظام جمهوری اسلامی است، اصطلاحاً به این می‌گوییم فراندوم تأسیسی. فراندوم تأسیسی برای ایجاد یک نظام سیاسی است و در طول عمر آن نظام سیاسی هم یک‌بار بیشتر انجام نمی‌شود، چون برای ایجاد و تأسیس است. در کشور ما این نوع فراندوم یک‌بار

برگزار شده است. اصل یکم قانون اساسی در واقع تاریخچه تأسیس جمهوری اسلامی به اختصار است. این اصل می‌فرماید: «حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله‌العظمی امام خمینی علیه‌السلام، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین‌ماه یکهزار و سیصد و پنجاه‌وهشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نودونه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.» این در اصل یکم قانون اساسی کلمه همه‌پرسی آمده است، این همه‌پرسی تأسیسی است و یک‌بار هم در عمر یک انقلاب و یک نظام بیشتر انجام نمی‌شود.

در بقیه انقلاب‌هایی هم که تا حالا در کشورهای مختلف شده است و نظامات تأسیس شده است این اتفاق نیفتاده است؛ منتها این فقط در کشور ما اتفاق افتاده است و در کشورهای دیگر سابقه نداشته است و اساساً این نوع رفراندوم منحصر به فرد است.

بعد از انقلاب سال‌ها نهضت حضرت امام علیه‌السلام طول کشید، مردم به شکل‌های مختلف علاقه خودشان را به اسلام، قرآن، احکام اسلام بیان کردند، روشن بود که جامعه با حکومت دینی موافق است ولو اینکه در همان زمان هم شاید برخی مخالف این نوع حکومت بودند؛ ولی غالباً شاید یک انسان بیننده خارجی متوجه می‌شود که نیازی به رفراندوم نیست. مردم الآن بعد از سال‌ها مبارزه، آنچه می‌خواستند؛ یعنی حکومت اسلامی به وجود آمده است؛ ولی با این حال امام بنا به یک اقتضائاتی که حالا پیش‌بینی آینده بوده و یا اینکه دشمنان سوءاستفاده نکنند، بعداً نگویند یک ابهاماتی در قضیه بوده است؟ حضرت امام علیه‌السلام فرمودند رفراندوم تأسیس نظام جمهوری اسلامی برگزار شود و این کار انجام شد و مردم رأی دادند، این یک نوع رفراندوم است که عرض کردم یک‌بار برگزار شده است.

نوع دوم رفراندوم، مربوط به قانون اساسی است و این رفراندوم برای تصویب یا اصلاح قانون اساسی است. قانون اساسی بالاترین سند قانونی کشور است که تمام ساختار حکومت، روابط قوا، وظائف و اختیارات مسئولان به طور عام، رابطه مردم و حکومت در آنجا ذکر شده است؛ خب این قانون اساسی در کشورها غالباً در هنگام تصویب آن‌ها یا در اصلاحات

و بازنگری‌های بعدی به رأی گذاشته می‌شود که به این رفراندوم قانون اساسی می‌گوییم. اصولاً قانون اساسی به سه شکل غالباً تصویب می‌شود، یا قوانین اساسی توسط جمعی از خبرگان و نخبگان یک جامعه تصویب می‌شود و در واقع تصویب آن نخبگان تلقی به قبول می‌شود که این‌ها نخبگان جامعه هستند و این قانون اساسی به‌عنوان قانون اساسی آن کشور پذیرفته می‌شود یا اینکه قانون اساسی پس از پیشنهاد به رأی مردم گذاشته می‌شود و یا اینکه هر دو مرحله انجام می‌شود؛ یعنی ابتدا نخبگان یا خبرگان قانون اساسی را بررسی می‌کنند، در آن شورای نخبگان یا شورای خبرگان قانون اساسی تصویب می‌شود و بعد از تصویب آن‌ها به رأی مردم گذاشته می‌شود یعنی در واقع اینجا دو بار رأی‌گیری انجام می‌شود. قانون اساسی کشور ما هم در تصویب آن و هم در بازنگری آن از این روش سوم استفاده کرده است.

بنابراین ما نوع دومی از همه‌پرسی داریم که این همه‌پرسی دوم در آخرین اصل قانون اساسی آمده و به آن اشاره شده است. همه‌پرسی اول در اصل اول قانون اساسی ذکر شده که همه‌پرسی تأسیس نظام بود، همه‌پرسی دوم که در اصل پایانی قانون اساسی ذکر شده همه‌پرسی قانون اساسی است.

اصل صد و هفتاد و هفتم قانون اساسی می‌فرماید پس از تصویب قانون اساسی یا بازنگری به آراء عمومی گذاشته می‌شود و به تصویب مردم می‌رسد. این نوع دوم همه‌پرسی که همه‌پرسی قانون اساسی است در کشور ما تاکنون دوبار انجام شده است، یک‌بار قانون اساسی سال ۱۳۵۸ به تصویب مردم رسید و یک‌بار قانون اساسی سال ۱۳۶۸ بعد از ده سال بازنگری شد و به رأی گذاشته شد. الآن هم امکان بازنگری قانون اساسی بر اساس خود همین اصل وجود دارد و اگر روند بازنگری قانون اساسی طی شود در مرحله پایانی باید به رأی مردم گذاشته شود.

نوع سومی از همه‌پرسی داریم که موضوع اصل پنجاه‌ونهم قانون اساسی است و به آن همه‌پرسی تقنین عادی یا قانون‌گذاری عادی گفته می‌شود. اصل پنجاه‌ونهم می‌فرماید: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء

عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد».

تردیدی در این نیست که یکی از وظائف اصلی مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس قانون‌گذاری است؛ حال نمایندگان مجلس می‌توانند این وظیفه مهم را به خود مردم واگذار کنند؛ یعنی در شرایطی قانون‌گذاری در امور خطیر و مهم با تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس به مردم واگذار شود.

این نوع سوم همه‌پرسی که همه‌پرسی تقنینی گفته می‌شود در واقع ما تا الآن در کشورمان برگزار نکرده‌ایم؛ یعنی با اینکه امکان آن وجود دارد، منتها تا حالا اتفاق نیفتاده است.

مجله پاسخ: حضرت استاد! لطفاً همه‌پرسی تقنینی را بیشتر توضیح دهید؟

♦ همه‌پرسی تقنینی که نوع سوم همه‌پرسی بود به نظر می‌رسد آنچه در این سال‌های اخیر هم گاهی مطرح می‌شود، منظور این نوع سوم همه‌پرسی است؛ یعنی برخی از موضوعات مهم در مسائل اجتماعی، مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی به رأی مردم گذاشته شود. فرض کنید قضیه‌ای مثل برجام، مسائل مهم اقتصادی کشور. خوب آیا امکان برگزاری آن وجود دارد؟ بله، امکان این است.

در این بخش ابتدا باید بحث حقوقی و سیاسی را از یکدیگر جدا کنیم؛ یعنی بعضی وقت‌ها گویندگانی می‌آیند از نگاه سیاسی بحث را مطرح می‌کنند و در واقع استفاده سیاسی می‌کنند درحالی‌که ظرفیت قانونی این در قانون اساسی وجود دارد.

روال همه‌پرسی تقنینی به این گونه است که پیشنهاد آن را رئیس‌جمهور می‌تواند مطرح کند یا صد نفر از نمایندگان مجلس، پیشنهاد این همه‌پرسی را مطرح می‌کنند و سپس باید به تصویب دوسوم نمایندگان مجلس برسد؛ یعنی الآن مثلاً اگر حدود سیصد نماینده ما در مجلس داریم، حدوداً این پیشنهاد باید یا از طریق صد نفر از نمایندگان مجلس مطرح شود و یا از طریق رئیس‌جمهور و هیئت دولت پیشنهاد شود و سپس به تصویب دوسوم نمایندگان مجلس برسد و روال خودش را بعد از تصویب طی کند و همه‌پرسی برگزار شود.

مجله پاسخ: حضرت استاد! فرمودید که برای همه‌پرسی تقنینی که موضوع اصل

پنجاه‌ونه قانون اساسی است و رئیس‌جمهور می‌تواند درخواست همه‌پرسی کند، حال آیا

رئیس‌جمهور از یک تریبون و سخنرانی عمومی می‌تواند درخواست کند یا اینکه باید طی یک لایحه قانونی تقدیم مجلس شود؟

♦ طبیعتاً این‌ها روال قانونی دارد و باید طی شود؛ البته رئیس‌جمهور می‌تواند پیشنهاد خودش را در یک تریبون عمومی هم اعلام کند، اعلام کردن آن به تنهایی اشکالی ندارد؛ اما صرف اعلام کردن به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بلکه رئیس‌جمهور باید پیشنهاد همه‌پرسی را به مجلس ارائه کند و مجلس به تصویب برساند.

در حقیقت اجرای همه‌پرسی تقنینی چند مرحله دارد، اولاً رئیس‌جمهور باید پیشنهاد بدهد، ثانیاً دوسوم مجلس تصویب کند تا رفراندوم برگزار شود، ثالثاً این مصوبه مجلس مثل همه مصوبات باید به شورای نگهبان برود و بر اساس تفسیر شورای نگهبان مصوبه همه‌پرسی هم باید با عنوان یک مصوبه به تأیید شورای نگهبان برسد.

مقصود این است که چون در همه‌پرسی بله و خیر است، اینجا شورای نگهبان ارجاع موضوع به همه‌پرسی را همانند همه مصوبات مجلس تأیید کند که به معنای این است که بله یا خیر بودن این موضوع خلاف شرع و موازین شرعی نیست؛ یعنی چه مردم بگویند بله و چه بگویند خیر، در هر دو صورت این خلاف شرع نیست؛ بنابراین امکان رأی‌دهی و امکان واگذاری قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری در موضوعات مهم به همه‌پرسی اشکالی ندارد و سپس طبیعتاً همه‌پرسی طبق روال خودش برگزار می‌شود؛ بنابراین یکی از راه‌های انجام همه‌پرسی پیشنهاد آن توسط رئیس‌جمهور به مجلس است.

مجله پاسخ: حضرت استاد! اگر ممکن است اجرای رفراندوم را در نظام‌های لیبرال و

نظام‌های دموکراسی غربی توضیح دهید تا به نظام خودمان به یک مقایسه‌ای برسیم؟

♦ در نظام‌های غربی هم بسته به نوع قانون اساسی‌شان امکان تجدیدنظر در قانون اساسی آن‌ها وجود دارد؛ البته غالباً قوانین اساسی کشورها اصطلاحاً قوانین اساسی سخت هستند؛ یعنی قوانین اساسی که به راحتی امکان بازنگری ندارند. به این نکته توجه کنید که اساساً قانون عادی در مجلس به راحتی تغییر می‌کند و نمایندگان مجلس می‌توانند قوانین را عوض کنند و تغییر دهند، این کار نسبت به تغییر اصول قانون اساسی تشریفات زیادی لازم ندارد؛ اما قانون اساسی معمولاً سندی است که ثبات کشور را به دنبال دارد، قانون اساسی



غالباً به راحتی تغییرپذیر نیست؛ منتها با این حال راه‌هایی برای تغییر آن وجود دارد، البته راه‌های آن محدود است. کشورهای غربی برای قانون‌گذاری عادی یا اصلاح قانون اساسی خودشان راه همه‌پرسی را دارند؛ اما همان‌طور که در ابتدا عرض کردم برای تأسیس نظام خودشان تابعه حال همه‌پرسی برگزار نکرده‌اند.

برای تغییر نظام هیچ‌کس تابعه حال غیر از کشورمان همه‌پرسی برگزار نکرده است، غیر از موارد محدودی به صورت خاص در کشوری مثل سوئیس با شرایطی خاص، اما غالباً دنیا این رویه را نپذیرفته است که نظام سیاسی با همه‌پرسی تغییر کند؛ البته غالباً در مسائل قانونی و اصلاح برخی مواد قانونی سازوکاری برای خودشان دارند؛ یعنی این روال وجود دارد در کشورها که همه‌پرسی در موضوعاتی مطرح شود؛ البته باید برگزاری همه‌پرسی توسط مقامات عالی قانون‌گذاری آن کشور مثل کنگره یا شورای قانون اساسی تأیید شود و سپس برگزار شود؛ تا حالا چندین همه‌پرسی در برخی کشورها برگزار شده است؛ مثل پیوستن به اتحادیه اروپا یا خروج از اتحادیه در انگلیس یا کشورهای دیگر موضوعاتی از این قبیل را داشته‌ایم که به همه‌پرسی گذاشته‌اند.

مجله پاسخ: حضرت استاد! نگاه امام خمینی علیه السلام به عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و نگاه مقام معظم رهبری به عنوان ادامه‌دهنده راه امام و رهبری نظام به بحث همه‌پرسی و رفرا ندموم چگونه است؟

♦ طبیعتاً نگاه رهبران جمهوری اسلامی به این مسئله یک نگاه مشروع، معقول و قانونی است. حضرت امام خمینی علیه السلام همان‌طور که عرض کردم تأکید بر همه‌پرسی تأسیس جمهوری اسلامی را داشتند و این با اینکه در دنیا اتفاق نیفتاده است نشان‌دهنده این است که حضرت امام علیه السلام در اینجا می‌خواستند در ابتدای انقلاب بر موج احساسات سوار شوند و بگویند خُب مردم که راضی هستند و حکومت را ما شروع کنیم، انجام بدهیم، بلکه به صورت صریح به برگزاری همه‌پرسی تأسیس جمهوری اسلامی تأکید داشتند.

مجله پاسخ: حضرت استاد! آیا در آن زمان هم افرادی مخالف همه‌پرسی تأسیس جمهوری اسلامی بودند؟

♦ بله بودند و می‌گفتند نیاز نیست. ببینید اساساً برگزاری همه‌پرسی به صورت کلی در

همه شرایط و در همه انواع آن بسیار وقت گیر و هزینه بر است؛ یعنی شما یک مدتی جامعه را دچار تبلیغات و مقدمات آمادسازی و نهایتاً برگزاری همه پرسى مى‌کنید و این وقت گیر و هزینه بر است؛ بنابراین در همان زمان کسانی بودند که مى‌گفتند به این همه پرسى تأسیسى نیازی نیست و شرایط جامعه، صدای مردم صدای رسایی است و مردم انقلاب، اسلام و حکومت اسلامی را مى‌خواهند و دیگر نیاز به برگزاری همه پرسى نیست؛ منتها حضرت امام علیه السلام با دوراندیشی و تیزبینی که داشتند دستور برگزاری همه پرسى را دادند؛ بنابراین اصل مراجعه با آراء مردم و همه پرسى در نگاه امام علیه السلام نگاه مثبتی است و ایشان در بحث بازنگری قانون اساسی هم چون در بازنگری اول قانون اساسی این موضوع در قانون اساسی مطرح نبود، یعنی اصل موضوع بازنگری نیامده بود، لذا امام با اختیارات حکومتی خودشان دستور بازنگری و بعد از آن همه پرسى آن را صادر کردند؛ بنابراین حضرت امام علیه السلام هم در اینجا تأکید روی همه پرسى اصلاح قانون اساسی و هم در همه پرسى تأسیس جمهوری اسلامی داشتند. مقام معظم رهبری نیز طبیعتاً با اصل همه پرسى مخالفتی ندارند به خاطر اینکه همه پرسى در قانون اساسی آمده است، سازوکار آن تعریف شده است، با اصل تغییرات قانون اساسی هم مخالفتی ندارند، خود مقام معظم رهبری سال‌های گذشته در موضوع امکان تغییر نظام پارلمانی و ریاستی بحثی را مطرح کردند که این قابل بحث و قابل بررسی است، قابل این است که کارشناسان بررسی کنند، معایب و محاسن آن را پیدا کنند و بعد اگر به نتیجه رسیدند همه پرسى انجام شود و قانون اساسی تغییر کند؛ بنابراین مقام معظم رهبری با اصل موضوع مخالفتی ندارند؛ منتها اینکه در چه موضوعی همه پرسى شود طبیعتاً قانون اساسی سازوکاری گذاشته است که این پیشنهادها مطرح شود، از نظر عموم جامعه و صاحب نظران این پیشنهادها تجمیع شود و سپس برای رهبری فرستاده مى‌شود، رهبری با مجمع تشخیص مصلحت نظام مشورت مى‌کنند و در صورت صلاحدید اجرای همه پرسى این اصلاح به شورای بازنگری پیشنهاد مى‌دهند و بعد هم اگر شورای بازنگری تصویب کرد به رأی مردم گذاشته مى‌شود.

بنابراین حضرت امام علیه السلام و مقام معظم رهبری با همه پرسى و مراجعه به آراء مردم و بازنگری در قانون هیچ مشکلی نداشتند و در واقع این راه قانونی را خودشان پیشنهاد هم



دادند و در زمان حضرت امام علیه السلام اجرا هم شد؛ منتها همان‌طور که عرض کردم سازوکار این در قانون پیش‌بینی شده است که باید این سازوکار محقق شود.

مجله پاسخ: سؤال بعدی را از محضر استاد معظم حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید ابراهیم حسینی می‌پرسیم؛ حضرت استاد! سؤال بعدی بحث مطالبه جریان‌های سیاسی است همان‌طور که اخیراً یکی از رؤسای رئیس‌جمهور قبلی مطالباتی در تریبون‌های عمومی داشتند؛ یعنی روال قانونی همه‌پرسی رعایت نمی‌شد که به‌عنوان یک لایحه یا یک درخواست قانونی به مجلس داده شود؛ حالا ما می‌خواهیم ببینیم مطالبه جریان‌های سیاسی درباره فراندوم و دولت‌هایی که مدعی فراندوم بودند تا چه اندازه می‌تواند واقعی باشد؟

♦ اصولاً همه‌پرسی یا فراندوم سه نوع داریم، همه‌پرسی سیاسی، همه‌پرسی اساسی و همه‌پرسی تقنینی. بیشتر کسانی که مطالبه‌گری می‌کنند و در صدد برگزاری فراندوم هستند منظورشان از همه‌پرسی، همه‌پرسی اساسی و تقنینی است.

تردیدی در این نیست که آنچه برای نظام جمهوری اسلامی ایران مهم است بحث جمهوریت و اسلامیت نظام است، ماهیت نظام، جمهوری اسلامی است و سلطنتی نیست. حضرت امام علیه السلام در مورد شکل حکومت می‌فرمود: «جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد» و این یعنی نفی رژیم سلطنتی و طاغوتی. وقتی قرار شد جمهوری باشد، همان‌طور که هم در اصل ششم قانون اساسی که اداره امور نظام با اتکا به آراء عمومی است و هم در بند ششم اصل دوم قانون اساسی که کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا آمده است، مسئله همه‌پرسی در اصول مختلف قانون اساسی اشاره شده و سازوکار آن بیان شده است.

بنابر اصل پنجاه‌وشش که می‌گوید: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقي که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند».

کسی نمی‌تواند انسان را از حق خدادادش سلب کند؛ منتها طبق اصولی که یکی از

آن‌ها اصل پنجاه‌وهشت است، این همه‌پرسی باید برگزار شود.

اساساً حاکمت سه بُعد دارد، یکی تقنین، یکی اجرا و دیگری قضا است. در تمام دنیا نظام قضا را انتخابی کار نمی‌کنند؛ اما هم در بُعد اجرا و هم در بُعد تقنین کشورهایی که به خواست مردم تمکین می‌کنند، می‌گویند بر اساس انتخابات که در کشور ما هم همین‌طور است، هم تقنین بر اساس پنجاه‌وهشت می‌گوید بر اساس نمایندگان مجلس است، هم اجرا بر اساس اصل شصت و نهم مجریه است که باز مردم این‌ها را انتخاب کردند.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که در سیستم قانون‌گذاری که شما می‌گویید قانون‌گذاری و تقنین، اعمال حاکمیت در قوه مقننه بر اساس نمایندگان مجلس است، آیا مردم هم می‌توانند مستقیماً دخالت کنند؟

نظام‌های دنیا، همان‌که اساتید بزرگ حقوق مطرح می‌کنند، نظام غیر دموکراتیک که هیچی، اما نظام‌های دموکراتیک می‌گویند خودشان سه قسم هستند، دموکراسی مستقیم، دموکراسی غیرمستقیم و دموکراسی نیمه مستقیم. دموکراسی مستقیم الان در هیچ کجای دنیا نیست.

شما در کشورمان مثلاً نمی‌توانید هر روز هشتادوپنج میلیون نفر آدم را بخواهید بیاورید برای این مسائل و رأی‌گیری کنید؛ چراکه اساساً، فراهم کردن یک انتخابات پنج شش ماه کار نیاز دارد، لذا هیچ کجای دنیا دیگر دموکراسی مستقیم مطرح نیست. حال بیاییم سراغ آن دو قسمت دیگر، نمایندگی غیرمستقیم که شیوع بیشتری دارد؛ یعنی اعمال حاکمیت مردم توسط خود نمایندگان مردم صورت می‌گیرد که این به دموکراسی نمایندگی معروف است.

حالا با توجه به این دموکراسی نمایندگی است که مردم رأی می‌دهند؛ اما برخی از کشورها یک مقدار مقیاس حضور مردم را بالاتر بردند که این نیمه دموکراسی است؛ یعنی همان دموکراسی نمایندگی حفظ شده منتها در کنار آن سازوکارهای دیگری را فراهم کردند که مرحوم استاد قاضی پنج تا راه را اسم می‌برد، یکی ابتکار عام است، یکی گزینش‌گری است، یکی وتو است، یکی «پله بی‌سیت» است، یکی هم رفاندوم است؛ رفاندوم یک راه فرعی است.

در قانون اساسی اصل پنجاه‌وهشت گفته شده است: «اعمال قوه مقننه از طریق

مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحلی که در اصول بعد می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.» حتی نگفته است جز در آنچه در اصل پنجاه‌ونه است؛ یعنی قانون و قاعده این است، در کشورهای دنیا هم همین‌طور است، چون قانون‌گذاری یک امر تخصصی است، اداره کشور هم تخصصی است، با ابراز احساسات این حزب و گروه نمی‌شود رأی‌گیری کنیم تا ببینیم کشور به چه سمتی می‌رود. قانون با صراحت مطرح می‌کند، اعمال حاکمیت در بُعد تقنین با مجلس است.

البته قانون یک راهی را باز گذاشته است؛ یعنی در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است در این اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم مراجعه شود و همه‌پرسی صورت گیرد که این راه فرعی باز گذاشته شده است، اما راه اصلی قانون‌گذاری همواره با مجلس است.

نکته دیگر این‌که بر اساس اصل هفتادویک قانون اساسی که می‌گوید: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند.» و نیز در اصل هفتادودو می‌گوید: «مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد.» مجلس در عموم مسائل کشور در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند ورود کند و در جایی‌که خلاف شرع و قانون اساسی باشد اصلاً مجلس نمی‌تواند ورود کند.

بنابر اصل نودوچهار شورای نگهبان می‌تواند بگوید این قانون درست است یا نادرست است، خلاف شرع و یا خلاف قانون اساسی است یا نیست، یعنی اینجا مجلس تصویب می‌کند و بعد آنجا توسط شورای نگهبان اصلاح و ابطال صورت می‌گیرد، اما در اصل هفتادودو می‌گوید اصلاً مجلس حق ورود ندارد، مثلاً آیا راجع به حجاب ما می‌توانیم رفرا اندوم برگزار کنیم، چه کسی به ما اجازه می‌دهد؟ نه خدا اجازه می‌دهد و نه قانون اساسی چنین اجازه‌ای می‌دهد.

خدای متعال درباره حجاب دستور صریح دارد در آیه ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب. در سوره احزاب آیه ۳۶ می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ

أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا؛ «هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش امری را لازم بدانند، اختیاری (در برابر فرمان خدا) داشته باشد؛ و هرکس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است!».

در جایی که خدا و پیامبرش تعیین تکلیف کردند که مثلاً بگویند علی علیه السلام امیرالمؤمنین و حاکم است، این علی علیه السلام امیرمؤمنین خواهد بود و این تصمیم قطعی می‌شود. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»، (مائده: ۶۷) این تشریح نیست؛ بلکه این تصمیم و ابلاغ است.

دوم اینکه قانون‌گذاری کرده باشد، حجاب، نماز، زکات، خمس، جهاد و چیزهای دیگر یا استکبارستیزی مثلاً رابطه ما با آمریکا. خدای متعال فرمود این خطمشی ثابت تمامی انبیاء است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»، (نحل: ۳۶) استکبارستیزی در ذات دین است، در ذات بعثت همه انبیاء بود، شما این را نمی‌توانید به رأی بگذارید. به تعبیر استاد فرزانه ما حضرت آیت‌الله جوادی‌آملی نفرمود: «ما لمؤمن»، مؤمن این کار را نمی‌کند؛ بلکه فرمود: «مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ»، اصلاً شأنیتی ندارد، اصلاً حرف این را نزنید، اصلاً جایگاه ندارید. آیه ۶۵ سوره نساء را ملاحظه بفرمایید که می‌گوید: «ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ «سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند؛ در واقع در دل آن‌ها هم چنین چیزی نیست که بخواهند مخالفت کنند».

پس درباره تقنین همان‌طور که گفتیم اصل قانون‌گذاری با مجلس است. خود مجلس هم بر اساس اصل هفتادویک و مخصوصاً اصل هفتادودو در برخی موضوعات اصلاً حق ورود ندارد. اصل چهارم قانون اساسی می‌گوید تمام قوانین باید بر اساس شرع و موازین اسلامی باشد، حال شما بیابید و بگویید: «مردم ما می‌خواهیم شرع را به رأی بگذاریم» این اصلاً شذنی نیست.

علاوه بر این، تا حالا کدام‌یک از نظام‌های دنیا و انقلاب‌هایی که پیروز شده‌اند اصل نظامشان را به رأی گذاشتند؟ آمریکایی سال ۱۷۷۶م مستقل شدند، اول جزء مستعمرات

بریتانیا بودند، اصل نظامشان را هرگز به رأی نگذاشتند؛ تازه بعد یازده سال قانون اساسی خودشان را تصویب کردند، آن هم بدون رأی مردم تصویب کردند. مؤسسان خود ایالات یا رهبران ایالت‌ها آمدند و قانون اساسی‌شان را تصویب کردند و در این مدت بیست‌وهفت بار آن را بازنگری کردند؛ اما یک‌بار هم به همه‌پرسی نگذاشتند!؟

در کشور ما یک‌بار اصل نظام به همه‌پرسی و رفراندوم گذاشته می‌شود، قانون اساسی باز به رأی مردم و هم بازنگری قانون اساسی باز به رأی مردم گذاشته می‌شود؛ درحالی‌که کمتر کشوری است که بازنگری را یا حتی خود قانون اساسی را به رأی مردم بگذارد، خیلی از کشورها می‌گویند همان رهبران انقلاب، بعضی از کشورها می‌گویند مجلس مؤسسان، بعضی از کشورها می‌گویند مردم، اما ما گفتیم اولاً مردم رأس نظام هستند، بعد مجلس مؤسسان قانون اساسی را بنویسد، باید دوباره مردم تأیید کنند، بازنگری آن هم همین‌طور؛ درحالی‌که در بحث تقنین یعنی آمریکایی‌ها که بیست‌وهفت بار قانون اساسی خودشان را بازنگری کردند بدان اصلاحات زدند، حتی یک‌بار هم به همه‌پرسی مراجعه نکردند؛ یعنی در طول سیصد سال حکومت آمریکایی‌ها حتی یک‌بار رفراندوم برگزار نکردند باینکه طبیعتاً عقل بشری می‌گوید باید قانون بعد از این همه مدت اصلاح شود و تغییر یابد.

نکته دیگر این است که اگر شما می‌خواهید رفراندوم برگزار کنید، سازوکار آن چیست؟ بنابر مادهٔ سی‌وشش قانون اساسی همه‌پرسی که در سال ۱۳۶۸ بود، گفتند یا رئیس‌جمهور پیشنهاد بدهد یا صد نفر نماینده مجلس چنین درخواستی را داشته باشند. سؤالی که مطرح می‌شود این است که رئیس‌جمهوری که درخواست رفراندوم دارند چرا در دوران ریاست جمهوری خود چنین پیشنهادی را به مجلس ندادند و حالا که دورانشان تمام شده این قضیه را مطرح می‌کنند؟

وقتی راهکار قانونی برای شما باز بود و می‌دانید نه ملت، نه قانون، نه شرع هیچ‌کس این کار را قبول ندارد، مطرح کردن این مسئله جز برای غوغاسالاری برای ایجاد التهاب در جامعه سودی ندارد؟! آیا جز برای ایجاد التهاب در جامعه است؟ آیا جز برای ایجاد دوقطبی‌سازی در جامعه است؟

من البته به لحاظ حقوقی می‌گویم یک زمانی دوره‌هایی مجلس در دست نمایندگان

موافق همین آقایانی بود که مدعی رفراندم هستند، خب چرا آن موقع رأی ندادید؟ صد نفر می‌توانستید پیشنهاد بدهید، مگر کسی جلوی شما را گرفته بود؟ قطعاً شما بهتر از هرکس دیگر می‌دانید که مطرح کردن چنین موضوعی خلاف شرع است، خلاف قانون است، تصویب هم نمی‌شود. قانون اساسی اینها را گفته است؛ اما اینها هدفشان غوغاسالاری است. نکته دیگر اینکه گاهی منظور آقایان از بحث رفراندم، همه‌پرسی تقنینی نیست؛ بلکه رفراندم اساسی را مدنظر دارند. کسانی که رفراندم اساسی را می‌گویند دو جور مطرح می‌کنند، یک‌بار اصل نظام را مطرح می‌کنند، می‌گویند ما اصلاً جمهوری اسلامی را نمی‌خواهیم و گاهی هم مقصودشان قانون اساسی است، چون رفراندم اساسی شامل سه مورد است، یک: اصل نظام، دو: قانون اساسی، سه: بازنگری و اصلاحات در آن، هر سه را می‌گویند رفراندم اساسی. این آقایان هر سه تا مورد را مطرح می‌کنند، رفراندم اساسی یعنی اصل نظام.

حال من سؤال می‌کنم در کجای دنیا اصل نظام خودشان را بعد از این که مستقر شد دوباره به رأی گذاشته‌اند؟ هیچ نظامی این کار را نمی‌کند. به تعبیر استاد بزرگوارمان حضرت آیت‌الله دکترا امین‌الله رحمته‌الله: «مگر دیوانه است که اصل نظام را با دست خودشان ریشه‌کن کنند». به لحاظ حقوقی، هیچ نظام حقوقی نمی‌آید اصل نظام خودش را این گونه ریشه‌کن کند؛ به لحاظ شرعی نیز اگر نظام مستقر اسلامی و مشروع بود، هرگونه تلاش برای براندازی آن نظام بغي و تجاوز است و مجازات بسیار سنگینی دارد، مثل براندازی است.

بله اگر این نظام انحراف پیدا کرد، اگر این نظام اشکالی پیدا کرد باید تذکر بدهند، اصلاح کنند، امر به معروف و نهی از منکر واجب است، امر به معروف و نهی از منکر فقط در بحث حجاب نیست، امر به معروف و نهی از منکر در بحث احتکار است، در بحث اختلاس است، مهم‌تر از همه این‌ها در اصل نظام است. اگر دستگاه‌های نظام دچار انحراف شدند، چه دستگاه‌های اجرایی، چه دستگاه قضا و چه دستگاه تقنین اگر روزی این‌ها سوء مدیریت و سوء حاکمیت داشتند، از مصادیق بارز امر به معروف و نهی از منکر همین است که در اصل هشتم قانون اساسی بدان اشاره شده است.

امر به معروف و نهی از منکر فقط بر عهده مردم نسبت به مردم نیست، فقط بر عهده

حاکم نسبت به مردم نیست، بلکه مردم هم نسبت به حاکم این وظیفه مهم را دارند، این صریح قانون اساسی ما است که از دین گرفته شده است، گفته است مردم حق دارند و هم تکلیف دارند و باید امر به معروف و نهی از منکر کنند، حاکمان را اصلاح کنند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام چقدر می‌فرمود با من مثل جباران برخورد نکنید، بیایید بگویید، اینکه حضرت می‌فرماید: کتبتی یا بکغنی یا به من آخرنی؛ یعنی همیشه خودشان را در معرض رصد افکار عمومی قرار می‌دادند، نقد کنید، نظارت کنید، این خیلی حرف درستی است.

کار به جایی می‌رسد که وسط خطبه امام علیه السلام خامی بلند می‌شود و اعتراض می‌کند. داستان سوده همدانی را مطالعه کنید.

بنابراین اگر این برای اصلاح است خوب بیایید بگویید، امر به معروف و نهی از منکر خیلی خوب است و اگر حاکمان آن قدر انحراف پیدا کردند و از مشروعیت ساقط شدند و اصلاح‌پذیر نیستند، براندازی این نظام واجب می‌شود مثل نظامی که به نام اسلام بود مثل نظام یزیدی که امام حسین علیه السلام گفتند این نظام را قبول ندارم و نامشروع است، اما نظام اسلامی مستقر و مشروع را هرگونه تلاش برای براندازی آن بغی و تجاوز می‌شود و مجازات سنگینی دارد.

بدون شک در قانون اساسی اشکالاتی وجود دارد، بله ما بشر هستیم، تجربیات بشری راهنمای خوبی است برای انسان، حتی از نظام‌های دیگر هم می‌توانیم استفاده کنیم برای اینکه برخی قوانین را اصلاح کنیم و کارها را پیش ببریم.

بنابراین اگر رفیراندومی که آقایان می‌گویند برای اصل نظام است، یقیناً خلاف شرع است، خلاف میثاق ملی است. همین اصل صد و هفتادوهفت که همه مردم بدان رأی دادند، همین مردمی که رأی دادند و این نظام را پذیرفتند، گفته است جمهوریت و نظام امامت و اسلامیت اصلاً قابل‌تغییر نیست.

خوب است توجه داشته باشید و حتماً می‌دانید که در کشورهای دیگر هم این‌طور است؛ در خیلی از کشورها، چون بعضی از کشورها بی‌قیدوشرط هستند، می‌گویند همه اصول را می‌شود عوض کرد، ولی بسیاری از کشورها این‌طور هستند که اصول قانون اساسی ارزش یکسان ندارند، به برخی از اصول شما نمی‌توانید دست بزنید، در خود آمریکا این‌طور

است، در فرانسه هم این طور است، گفتند شما جمهوریت را نمی‌توانید، حالا بستگی به ارزش‌های جامعه دارد.

در کشور ما هم شما به اسلامیت آن نمی‌توانید دست بزنید، به جمهوریت آن هم نمی‌توانید دست بزنید؛ چون در این صورت کل نظام در واقع انحراف و ریشه‌کن می‌شود. نظامی که این همه شهید پای آن داده شده را اگر شما بخواهید جمهوریت یا اسلامیت یا بحث امامت را به هم بزنید در حقیقت به آن خیانت می‌کنید؛ بنابراین اصل نظام را نمی‌شود به همه‌پرسی گذاشت. البته به اصول آن هم می‌خواهید دست بزنید، تغییر کلی در این مسئله پذیرفتنی است، این همه تغییر در قانون اساسی ما خودمان در سال ۱۳۶۸ انجام دادیم؛ اما اگر این تغییر باز برگردد که شما بنیان نظام را از بین ببرید، بنیان نظام کجاست؟ در اصل دوم قانون اساسی بیان شده است، در اصل دو گفته است پایه‌های نظام جمهوری اسلامی بر پایه‌های ایمان به این‌ها است، اعتقاد به لا اله الا الله و اختصاص حاکمیت به خداوند متعال است، شما بگویید نه، از این به بعد ما بجای اینکه بگوییم خدا چه قانونی گذاشته است، بگوییم هرچه مردم گفتند، دم به ساعت رأی بگیریم، این با این مبنا نمی‌سازد. شما با این دیدگاه در واقع ریشه را می‌زنید، براندازی می‌کنید که پذیرفتنی نیست.

آخر کلام بنده این است که ظاهر برخی از این پیشنهادها فراندوم و همه‌پرسی است؛ ولی ماهیتاً هدف براندازی است و قصد براندازی نظام را دارند. کسی که می‌گوید اصل نظام را به رأی بگذاریم؛ یعنی ریشه نظام را می‌خواهد به دست خودمان بزنیم، این یعنی براندازی نظام. گو اینکه پیشنهادها دیگری که برخی داده‌اند که خیلی از آن‌ها برای لایوشانی یا برای فضا سازی و غوغا سازی است.

مجله پاسخ: حضرت استاد! فرمودید که در احکام شرع نمی‌شود همه‌پرسی کرد، حتی مجلس نمی‌تواند وارد کند، حالا بحث مصلحت، اقتضای زمان و این‌ها هم ممکن است مطرح شود؟ مثلاً در همین بحث حجاب ممکن است اقتضای زمان فرق کند، کما اینکه برخی شبهه ایجاد کردند که حجاب زمان رسول الله ﷺ یا زمان ائمه علیهم‌السلام با حجاب الآن فرق می‌کند، هم مفهوم آن، هم مصداق آن، هم محدوده دخالت حاکمیت در الزام به حجاب. آیا این مواردی که عرض کردم را می‌شود به عنوان تخصیص به این فرمایشاتی که حضرت تعالی

گفتید، بگوییم؟

♦ عرایض بنده هیچ تخصیصی ندارد، همین‌که عرض کردم حکم خدا را هیچ‌کسی نمی‌تواند عوض کند حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» مطلق است.

همان‌طور که خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند و شیعه و سنی هم قبول دارد: «حَلَالٌ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». بلکه خود دین به مقتضای عقلانیت، به مقتضای حکیمانه بودن فرموده که گاهی اضطرار پیش می‌آید، حکم عوض نمی‌شود، در شرایطی می‌توانید بگویید اینجا آن حرمت را من موقتاً برمی‌دارم. در حقیقت این موقعیت اضطراری هم حکم شرع است، چه کسی می‌گوید فقط احکام اولیه، بلکه احکام ثانویه و در شرایط خاص هم حکم خداست و عمل به آن دقیقاً عمل به حکم خداست.

بنابراین در برخی از موارد این حکم عقل است، همان‌خدایی که گفت تماس بدنی با نامحرمان حرام است، برخی جاها گفته است واجب است این را رعایت نکنی چون حفظ جان محترم در میان است، اینها در دین اولویت‌بندی شده است؛ دین، دین عقلانیت است. نکته دوم این است که در بحث حجاب و این‌ها چیزی عوض نشده است. دین دستور کلی پوشش را داده است. کجا گفته است این زمان و آن زمان؟ وقتی خدا می‌گوید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ»، (نور: ۳۱) «روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار ن سازند» منظور در همه زمان‌هاست؛ هیچ تغییری در این حکم در زمان گذشته با حال ایجاد نشده است.

مرحوم زمخشری در تفسیر کشاف می‌گوید منظور از «وَلْيَضْرِبْنَ» به معنای بزیند؛ یعنی کاملاً خودتان را بپوشانید. قرآن دوجا با صراحت راجع به پوشش صحبت می‌کند، اما نمی‌گوید بپوشید، معنای بپوشید که مشخص است، در جایی می‌گوید: «يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ»، (احزاب: ۵۹) «نزدیک کنید چادرهای خودتان را به خودتان». در جای دیگر می‌گوید «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ»؛ «بزیند به سر و سینه خودتان»، یعنی کامل بپوشانید. جای دیگر می‌گوید: «قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ

جَلَابِيَهِنَّ»، «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [روسی‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند»؛ یعنی اول به همسران خودت، بعد به دخترانت بعد به بقیه زنان بگو!

بله گاهی در یک جاهایی اقتضائات جامعه می‌تواند چیز دیگری باشد، اما یادمان باشد همان دینی که گفته است ربا حرام است می‌گوید حفظ نظام اسلامی واجب‌تر از آن است، اما فراموش نکنیم اسلامیت نظام هم به این است که این ارزش‌ها حاکم باشد، اگر آن‌قدر یکی یکی از سروه آن، بنزیم و بگوییم این حفظ نظام است، دیگر چیزی نمی‌ماند، فقط یک عَلم می‌ماند، اینکه نمی‌شود!

مجله پاسخ: در پایان این گفتگو خدا را بسیار شاکر و سپاسگزار هستیم که در خدمت اساتید بزرگوار بودیم و از بیانات ارزشمندشان بهره‌مند شدیم.

